



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و الزامات آن از منظر بخش خصوصی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

۱۳۹۰

طرح هدفمند کردن یارانه ها و
الزامات آن از منظر بخش خصوصی

مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

منیره امیرخانلو

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۵	۱. مصرف انرژی در بخش‌های تولیدی
۸	۲. وضعیت بخش تولید
۸	۲.۱. صنعت و قیمت‌های انرژی
۹	۲.۲. نرخ استفاده از ظرفیت اسمی تولید در واحدهای تولیدی
۱۰	۲.۳. تعدیل نیروی انسانی و معضل اشتغال
۱۱	۲.۴. بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی
۱۱	۲.۵. رشد ارزش افزوده و تشکیل سرمایه ثابت بخش تولید
۱۳	۲.۶. چشم انداز ضعیف اقتصادی
۱۴	نتیجه گیری
۱۷	منابع

مقدمه:

اهمیت قیمت انرژی بر ابعاد مختلف تولید و معاش جامعه بر همگان آشکار است. آمارهای ملی و بین المللی بیانگر آنست که به دلیل ارزان بودن قیمت انرژی در کشورمان، الگوی مصرف انرژی در کشور بهینه نبوده و در برخی موارد سرانه مصرف انرژی به بیش از چند برابر سرانه متوسط دنیا می‌رسد. لزوم تصحیح الگوی مصرف انرژی در راستای اصلاح الگوی مصرف و ارتقاء بهره‌وری و تخصیص بهینه منابع در بخش‌های اقتصادی و اقشار درآمدی جامعه، مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران را بر آن داشت تا به دفعات به ارائه نظرات کارشناسی در خصوص نحوه و زمان‌بندی آزادسازی قیمت‌های انرژی بپردازد.

لزوم اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌های انرژی از جمله مواردی است که همواره مورد تأکید اتاق بازرگانی ایران بوده است اما به منظور اجرای بهینه این سیاست می‌بایست آمادگی بخش تولید و بخش مولد اقتصاد کشور نیز مورد توجه اکید قرار گیرد. شرایط رکود جهانی که تقاضای جهانی را تحت تأثیر قرار داده و بنگاه‌های اقتصادی را به علت کمبود نقدینگی از اجرای برنامه‌های توسعه ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری بازداشته است، دولت‌های جهان را بر آن داشته است که ظرف سال‌های اخیر به جهت حفظ توان تولید صنایع مهم و تأثیرگذار و همچنین جلوگیری از وقوع بحران اجتماعی ناشی از بیکاری از طریق بسته‌های حمایت مالی و سیاست‌های پولی انبساطی اقدام به حمایت از این صنایع بپردازند. برای مثال می‌توان به نجات سرمایه^۱ ۲۵۷٫۶ میلیارد دلاری که دولت آمریکا تحت اقدام " خلاصی از دارایی‌های دردرساز" و در قالب وام‌های کوتاه مدت به شرکت بزرگ اتومبیل‌سازی جنرال موتورز نمود و این شرکت بزرگ را از خطر ورشکستگی نجات داد^۲ اشاره کرد. در سال ۲۰۰۸ آمریکا و اروپا به ترتیب متعهد پرداخت ۱/۳ و ۲/۸ هزار میلیارد دلار به منظور نجات سرمایه^۳ در بازارهای مالی خود شدند که مجموع این ۴٫۱ هزار میلیارد دلار ۴۵ برابر کل کمک‌هایی بود که آمریکا و اروپا در سال ۲۰۰۷ در قالب کمک‌های توسعه‌ای (۹۰/۷ میلیارد دلار) به کشورهای در حال توسعه پرداخت نمودند^۴. همچنین از آغاز بحران جهانی کمک‌هایی که آمریکا، انگلستان و بقیه کشورهای اتحادیه اروپا به صورت نجات سرمایه برای شرکت‌ها، بخش مالی و بانک‌های خود داشته‌اند به ترتیب ۹/۷، ۰/۹ و ۱/۴ هزار میلیارد دلار است. کمک‌های مالی آمریکا و انگلستان به ترتیب ۷۰٪ و ۳۶٪ تولید ناخالص داخلی سالانه این کشورها را تشکیل می‌دهد.^۵

^۱ نجات سرمایه به کمک‌های دولتی گفته می‌شود که جهت خرید دیون شرکت‌های ورشکسته و یا در معرض ورشکستگی انجام می‌شود.

^۲ منبع ۳ از منابع انگلیسی

^۳ در این اقدام دولت آمریکا در جهت تقویت بازارهای مالی خود که تحت تأثیر بحران Subprime به شدت تضعیف شده بودند، اقدام به خرید دارایی‌ها و سهام از بازارهای مالی خود نمود. این اقدامات بزرگترین جزء مداخلات دولت آمریکا در سال ۲۰۰۸ بود.

^۴ Troubled Asset Relief Program

^۵ Financial Bailout

^۶ منبع ۱ از منابع انگلیسی

^۷ منبع ۲ از منابع انگلیسی

دخالت دولت‌ها در شرایط اضطراری اقتصادی امروز و به منظور حمایت از صنایع و تقویت بنیه تولید و اشتغال داخلی از الزامات گریزناپذیر رقابت و بقاء در عرصه اقتصاد بین الملل است. در این راستا به نظر می‌رسد که یکی از ابزارهای مؤثر دولت‌ها جهت حمایت از اقتصاد مواجه با رکود امروز ابزار یارانه‌ها و نحوه توزیع آن میان اقشار و به خصوص بخش‌های مختلف اقتصادی باشد. به عبارت دیگر یکی از کارکردهای مهم و حیاتی یارانه‌ها می‌بایست کمک به توانمندسازی بخش مولد و تولیدی اقتصاد و فائق آمدن بر شرایط رکودی موجود باشد که به جهت اهمیت اساسی این موضوع می‌بایست الزامات اجرایی آن به صورت قانونی پیش بینی و تبیین گردد. متصور شدن این الزامات قانونی در نحوه تخصیص منابع حاصل از آزادسازی یارانه‌های انرژی به بخش خصوصی، تولیدی و مولد اقتصاد است که اهمیت می‌یابد. تسهیل و تسریع در دسترسی این منابع به بخش خصوصی و به خصوص بخش‌هایی با بهره‌وری بالاتر در زمینه استفاده از انرژی به مثابه حمایت لازم و مؤثر از صنعت در شرایط کنونی بحران و رکود اقتصادی بین المللی خواهد بود.

گزارش حاضر سعی بر ارائه تصویری در زمینه مشکلات اجرایی این طرح از منظر بخش تولید و ارائه الگویی درخور جهت حفظ توان تولیدی کشور و کمک به ارتقاء بهره‌وری و اجرایی شدن اهداف طرح اصلاح الگوی مصرف در سطح کلان دارد. در بخش نخست میزان مصرف بخش‌های تولیدی کشور از انرژی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس تصویری از وضعیت صنایع تولیدی و چالش‌های فرا راه این صنایع در حال حاضر و مشکلات بالقوه‌ای که در اثر آزادسازی قیمت‌های انرژی بخش تولید را تهدید خواهند کرد ارائه خواهد شد. در نهایت الگویی واقع بینانه جهت حفظ توان تولید کشور و ارتقاء این توان هم‌زمان با هدفمندسازی یارانه‌های انرژی پیشنهاد می‌گردد.

۱. مصرف انرژی در بخش‌های تولیدی

انرژی به عنوان یکی از نهاده‌های مهم تولید در صنایع تولیدی نقش کلیدی داشته و در سالهای اخیر یکی از معدود مزیت‌هایی که واحدهای تولیدی از آن بهره‌مند بوده‌اند بهای انرژی است. در ادامه به بررسی میزان مصرف انرژی در بخش تولید و بخش‌های غیر مولد اقتصاد می‌پردازیم.

با مقایسه ای که میان مصرف انرژی در بخش‌های مختلف کشور صورت گرفته مشاهده می‌شود که بخش‌های مولد نسبت به بخش‌های غیر مولد در اقتصاد مصرف انرژی کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. به طوری که بخش صنعت و معدن و بخش کشاورزی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به طور میانگین به ترتیب تنها ۲۰٪ و ۴٪ از کل مصرف نهایی انرژی را به خود اختصاص داده‌اند و بخش عظیم انرژی در بخش‌های خانگی و عمومی و تجاری و حمل و نقل به مصرف رسیده است. این در حالیست که طبق گزارش ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۵ بخش صنعت و کشاورزی به ترتیب تنها ۱۶٪ و ۳٫۷٪ از یارانه حامل‌های انرژی را به خود اختصاص داده و بخش‌های خانگی و حمل و نقل کشور در مجموع ۶۸٫۴٪ از کل این یارانه‌ها را دریافت نموده‌اند.

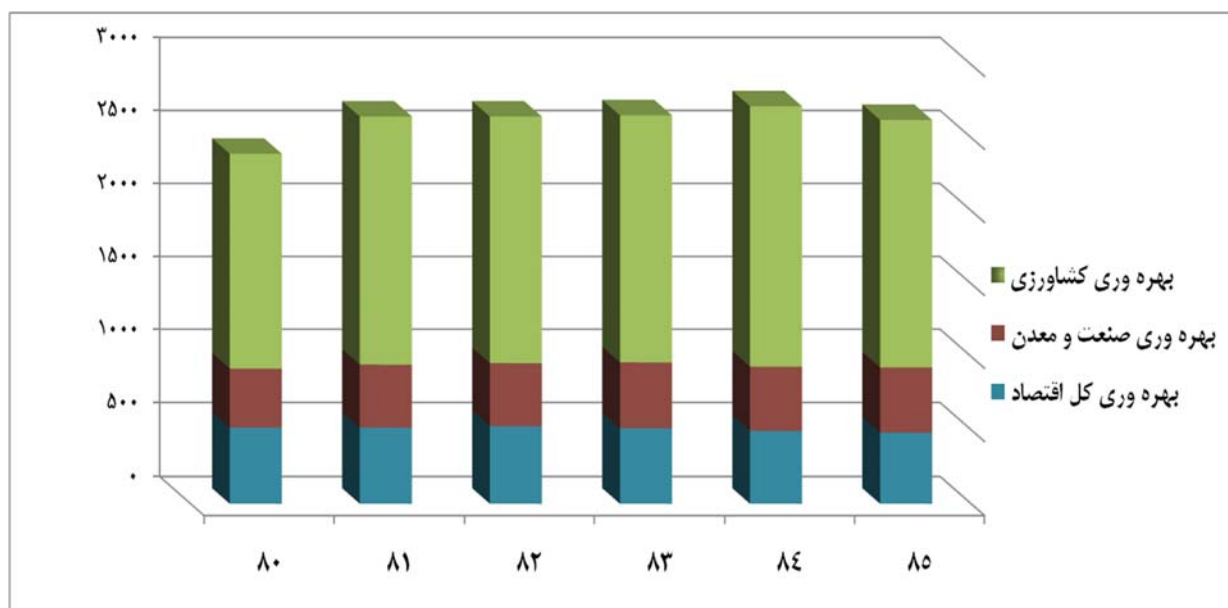
جدول ۱- سهم مصرف نهایی انرژی به تفکیک بخش‌ها

مصرف نهایی انرژی (%)	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
خانگی و عمومی و تجاری	۴۰	۴۲	۴۰	۴۰	۴۱	۴۲
صنعت و معدن	۲۰	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
حمل و نقل	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۷	۲۷
کشاورزی	۴	۴	۴	۴	۴	۴
سایر مصارف	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مصارف غیر انرژی	۷	۶	۷	۸	۹	۷

منبع: ترازنامه انرژی وزارت نیرو، سال ۱۳۸۵

از آنجایی که انرژی یک نهاده تولید به حساب می‌آید می‌توان بهره‌وری این نهاده در بخش‌های اقتصادی را با بهره‌وری کل اقتصاد مقایسه نمود. بهره‌وری انرژی نشان دهنده میزان ارزش افزوده ایست که به ازاء استفاده از یک واحد انرژی به دست می‌آید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بهره‌وری نهاده انرژی در بخش کشاورزی بسیار بالاتر از بهره‌وری کل اقتصاد بوده و این شاخص برای بخش صنعت از سال ۱۳۷۸ همگرایی قابل توجهی به بهره‌وری کل اقتصاد داشته است به طوری‌که در سال ۸۵ فاصله میان بهره‌وری انرژی در

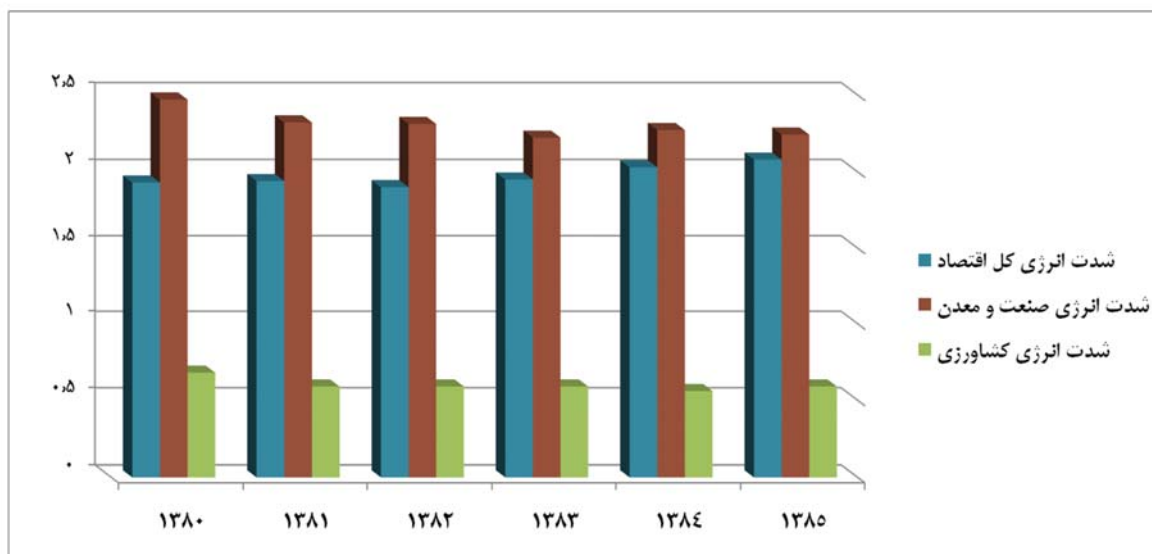
صنعت و کل اقتصاد به حداقل مقدار خود رسیده است. به طور متوسط در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ بهره‌وری متوسط بخش کشاورزی و صنعت به ترتیب ۳,۳ و ۰,۹ برابر متوسط بهره‌وری کل اقتصاد می‌باشد.



نمودار ۱، مقایسه بهره‌وری انرژی^۸

در بررسی شاخص‌های انرژی اشاره به شدت انرژی و مطالعه روند تغییرات این شاخص در بخش‌های مختلف اقتصادی خالی از لطف نیست. شدت انرژی نمایانگر تعداد واحد انرژی است که جهت ایجاد یک واحد ارزش افزوده مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاهش چشمگیر شدت انرژی در بخش صنعت و معدن حاکی از تلاش این بخش تولیدی در استفاده بهینه و منطقی از این نهاده تولید است. این روند کاهشی تا سال ۱۳۸۵ ادامه دارد به طوری که در این سال شدت به‌کارگیری انرژی بخش صنعت و معدن و کل اقتصاد اختلاف کمی دارند.

^۸ منبع ۱ از منابع فارسی



نمودار ۲، مقایسه شدت انرژی^۹

با توجه به آمار و ارقام ارائه شده در این بخش به نظر می‌رسد که باوجود نقش مهم و مولدی که دو بخش صنعت و معدن و کشاورزی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور برعهده دارند، سهم این بخش‌ها از یارانه‌های انرژی ناچیز بوده و بخش عمده این یارانه‌ها به بخش‌های غیر مولدی همچون بخش خانگی، عمومی و حمل و نقل اختصاص یافته است. با این وجود بخش‌های تولیدی کشور تلاش مصرانه‌ای در ارتقاء بهره‌وری به‌کارگیری انرژی داشته‌اند به‌طوری‌که بخش کشاورزی همواره در صدر بهینه‌سازی مصرف انرژی بوده است. بخش صنعت نیز تلاش شایانی در این زمینه انجام داده و شاخص‌های مربوط به مصرف انرژی خود را با تقریب خوبی به حد متوسط اقتصاد رسانده است. این در حالیست که بخش‌های خانگی، عمومی و حمل و نقل علاوه بر استفاده حداکثری از موهبت انرژی تلاش قابل توجهی در اصلاح الگوی مصرف این منبع ارزشمند تولید ننموده‌اند. از اینرو جهت تعدیل و بهینه‌کردن مصرف انرژی منطقی‌تر است که از بخش‌های پر مصرف و غیر مولد که انعطاف پذیرتر هستند آغاز شود. به این ترتیب به صنایع کشور نیز فرصتی داده می‌شود تا خود را با تغییرات منطبق سازند.

^۹ منبع ۱ از منابع فارسی

۲. وضعیت بخش تولید

بخش تولید و به طور خاص صنایع در کشور ما با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای رو به رو هستند که پیامد آن کاهش توان رقابتی آنها است. کاهش تولید کشور، افزایش بیکاری و فرار سرمایه‌ها از جمله نتایج عدم توجه به بخش‌های مولد در اقتصاد می‌باشد.

در این بخش سعی بر آنست که با استفاده از شاخص‌های اقتصاد کلان، نتایج مطالعه اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران بر ۱۸۳ واحد تولیدی کشور در آذر ۱۳۸۷ و نتایج نظرسنجی از بنگاه‌های اقتصادی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ تصویری از وضعیت صنایع ایران ارائه گردد. این نتایج به اتفاق بیانگر آنست که هم‌اکنون بخش تولید با مشکلاتی جدی مواجه است. به این ترتیب هرگونه شتابزدگی در آزادسازی قیمت‌های انرژی و عدم توجه به مشکلات بخش تولید در شرایط رکود بازار جهانی و هزینه‌های مضاعفی که پیاده‌سازی این طرح بر واحدهای تولیدی تحمیل خواهد کرد منجر به کاهش رقابت پذیری بنگاههای اقتصادی در کشور و در نهایت حذف بسیاری از این بنگاهها از عرصه تولید و رقابت ملی و بین‌المللی خواهد گشت.

۲.۱. صنعت و قیمت‌های انرژی

با توجه به آنکه برق و گاز از حامل‌های پر مصرف در بیشتر صنایع هستند، در ادامه قیمت ارائه شده این دو حامل انرژی برای بخش صنعت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ بخشهای غیر تولیدی در مجموع ۵۳٪ از کل مصرف برق را به خود اختصاص داده‌اند و تنها ۴۷٪ از مصرف به بخش صنعت و معدن و کشاورزی تعلق دارد. این در حالیست که در طول دوره مورد بررسی بهایی که بخش صنعت برای برق پرداخته است (متوسط قیمت برق صنعتی ۱۷۱,۷ و متوسط قیمت برق خانگی ۹۴,۶ ریال بر کیلو وات ساعت است) حدوداً ۲ برابر بخش خانگی است که بالاترین مصرف را به خود اختصاص داده است. نگاهی به قیمت‌های برق در بخش‌های مختلف اقتصادهای پیشرفته دنیا حاکی از آنست که در این کشورها قیمت برق صنعتی به جهت حمایت از بخش صنعت پایین‌تر از قیمت ارائه شده برای بخش خانگی است.

جدول ۲ - قیمت برق در برخی کشورهای دنیا در سال ۲۰۰۵ (سنت/کیلووات ساعت)

کشور	صنعت	خانگی
انگلستان	۸/۶	۱۴/۹
ترکیه	۱۰/۷	۱۱/۸
فرانسه	۵	۱۴/۱
کره جنوبی	۵/۹	۸/۹

منبع: منبع ۲ از منابع فارسی

در خصوص گاز طبیعی نیز قیمت فروش به صنعت در سال ۱۳۸۵، ۱۳۰,۹ و برای بخش خانگی ۸۰,۶ بر متر مکعب بوده است. این در حالیست که در کشورهای پیشرفته همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه، کره جنوبی و ترکیه قیمت گاز مصرفی صنعتی پایین‌تر از قیمت ارائه شده برای بخش خانگی است.

۲.۲. نرخ استفاده از ظرفیت اسمی تولید در واحدهای تولیدی

این بخش به ارائه آمار به دست آمده از طرح نظر سنجی از ۱۸۳ واحد تولیدی کشور می‌پردازد. نتایج این مطالعه حاکی از آنست که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ تعداد واحدهای تولیدی که با ظرفیتی بین ۰ تا ۴۰ درصد از ظرفیت اسمی به تولید پرداخته‌اند افزایش یافته و در مقابل تعداد واحدهای تولیدی که بین ۴۰ تا ۱۰۰ درصد ظرفیت اسمی خود تولید کرده‌اند کاهش یافته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بسیاری از واحدهای تولیدی علی‌رغم داشتن ظرفیت‌های اسمی بالا، یا بازارهای فروش خود را از دست داده‌اند و یا به علت مشکلات موجود جهت استفاده از برخی نهادهای تولید مانند نیروی کار و سرمایه، قادر به استفاده از حداکثر ظرفیت تولید خود نیستند. به این ترتیب نه تنها انگیزه برای افزایش ظرفیت‌های

تولیدی بالا نرفته بلکه این امر (بدون استفاده ماندن ظرفیت تولید) خود باعث افزایش هزینه‌های هر واحد تولید^{۱۰} نیز گردیده است.

حدود ۸۰ درصد واحدهای تولیدی حتی در زمانی که دارای حداکثر میزان تولید خود بوده‌اند، نتوانسته‌اند به ظرفیت اسمی خود دست یابند. به عبارت دیگر در شرایط موجود اکثر بنگاه‌های تولیدی به دلایلی مشکلات و موانع عدیده ای که با آن مواجهند امکان استفاده کامل از ظرفیت اسمی تولید خود را نداشته و از مزایای بازده نسبت به مقیاس بی بهره‌اند.

جدول ۳- واحدهای تولیدی به تفکیک نسبت حداکثر رکورد تولید در سنوات قبل به ظرفیت اسمی تولید^{۱۱}

(درصد)

نسبت حداکثر رکورد تولید به نسبت ظرفیت اسمی	نسبت واحدهای تولید	تجمعی
کمتر از ۲۰ درصد	۱۰/۸	۱۰/۸
بین ۲۰ تا ۴۰ درصد	۱۳/۵	۲۴/۳
بین ۴۰ تا ۶۰ درصد	۱۵/۵	۳۹/۹
بین ۶۰ تا ۸۰ درصد	۲۰/۹	۶۰/۸
بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد	۲۰/۹	۸۱/۸
بیشتر از ۱۰۰ درصد	۱۸/۲	۱۰۰

منبع: منبع ۳ از منابع فارسی

انعکاس این مشکلات را می‌توان در تعدیل نیروی انسانی و معطل اشتغال ناشی از آن، افزایش بدهی‌های معوق به و مشکوک الوصول بانک‌ها، درصد تغییرات ارزش افزوده بخش‌های تولید و میزان مشارکت این بخش‌ها در سرمایه‌گذاری در اقتصاد و در نهایت چشم انداز ضعیف از وضعیت آتی و عدم امید به آینده این بنگاه‌های اقتصادی مشاهده نمود.

^{۱۰} با افزایش تولید، هزینه‌های ثابت سرشکن شده و هزینه هر واحد تولید کاهش می‌یابد.
^{۱۱} لازم به توضیح است که از ۱۸۳ واحد تولیدی، ۱۴۵ واحد به این پرسش پاسخ داده‌اند

۲.۳. تعدیل نیروی انسانی و معطل اشتغال

نتایج مطالعه حاکی از آن است که بین ۱۷۵ واحد تولیدی پاسخ دهنده^{۱۲} به این پرسش، ۳/۴ درصد از واحدها بیش از نیمی از تعداد کارکنان خود را در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶، تعدیل نموده و ۶/۹ درصد از واحدها با تعدیل ۲۵ درصد تا ۵۰ درصد کارکنان مواجه شده‌اند و ۱۱۶ واحد یعنی ۶۶/۳ درصد کمتر از ۲۵ درصد تعدیل نیروی کار داشته‌اند.

جدول ۴- واحدهای تولیدی به تفکیک کاهش یا افزایش کارکنان طی سالهای ۸۶ و ۸۷ (درصد)

شرح	نسبت واحدهای تولیدی	تجمعی
واحدهای با بیش از ۵۰ درصد کاهش	۳/۴	۳/۴
واحدهای با ۲۵ تا ۵۰ درصد کاهش	۶/۹	۱۰/۳
واحدهای با کمتر از ۲۵ درصد کاهش	۶۶/۳	۷۶/۶
واحدهای با کمتر از ۲۵ درصد افزایش	۲۱/۱	۹۷/۷
واحدهای با ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش	۱/۷	۹۹/۴
واحدهای با بیش از ۵۰ درصد افزایش	۰/۶	۱۰۰

منبع: منبع ۳ از منابع فارسی

نتایج پرسش‌هایی که در زمینه وضعیت واحدهای تولیدی در صورت ادامه وضع موجود صورت گرفته‌اند نشان می‌دهند که ۴۴ درصد از ۸۲ واحد تولیدی پاسخ دهنده^{۱۳}، ابراز کرده‌اند که در صورت ادامه روند فعلی تا سه ماه آینده احتمال تعطیلی واحد تولیدی‌شان وجود دارد. در حدود ۴۶ درصد از واحدهای پاسخ دهنده نیز این مدت زمان را ۳ تا ۶ ماه تخمین زده‌اند.

جدول ۵ - واحدهای تولیدی به تفکیک مدت زمان پیش بینی شده برای تعطیلی واحد(درصد)

مدت زمان پیش بینی	واحدهای تولیدی	تجمعی
کمتر از ۳ ماه	۴۳/۹	۴۳/۹
بین ۳ تا ۶ ماه	۴۶/۳	۹۰/۲
بین ۹ تا ۱۲ ماه	۸/۵	۹۸/۸
بیش از ۱۲ ماه	۱/۲	۱۰۰

^{۱۲} لازم به توضیح است که از ۱۸۳ واحد تولیدی، ۱۷۵ واحد به این پرسش پاسخ داده‌اند.

^{۱۳} لازم به توضیح است که از ۱۸۳ واحد تولیدی، ۸۲ واحد به این پرسش پاسخ داده‌اند.

۲.۴. بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی

شرایط سخت تولید و کاهش سودآوری واحدهای تولیدی باعث شده که بسیاری از این واحدها که خود را در معرض خطر احساس می‌کردند با میانجی‌گری دولت بدهی‌های خود را استمهال نمایند. به عبارتی تعداد بنگاه‌هایی که موفق به استمهال بدهی خود شده اند از میزان ۲۲۸۰ واحد تولیدی که در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ به تأیید رئیس جمهوری رسید به تعداد ۴۴۹۱ واحد در ماههای اخیر رسیده است که این امار خود بیانگر کاهش توان واحدهای تولیدی در بازپرداخت هزینه‌های تأمین مالی است. همچنین نتایج بررسی مانده مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول سه بانک بزرگ کشور یعنی صادرات، تجارت و ملت که به تازگی سهام آن‌ها در بورس اوراق بهادار عرضه شده است و سهم بزرگی از بانک‌های تجاری کشور را به خود اختصاص داده‌اند، نشان می‌دهد که سهم مطالبات مذکور در سه بانک یادشده به تسهیلات اعطایی آن‌ها به بخش غیردولتی از ۱۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. به عبارت دیگر رشد مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول در مدت مذکور برای سه بانک صادرات، تجارت و ملت به ترتیب ۴۵، ۲۸ و ۴۷ درصد بوده است. آشکار است اگر بنگاه‌ها با ظرفیت مطلوب خود کار می‌کردند در پرداخت بدهی‌های خود دچار مشکل نمی‌شدند و دولت مجبور نمی‌شد که به استمهال بدهی آنها پردازد.

افزایش مطالبات معوق می‌تواند نشان‌دهنده بروز مشکلاتی باشد که فرآیند عادی تولید را مختل کرده و در نتیجه توان بنگاه‌ها را در بازپرداخت بدهی‌های خود کاهش داده است. یکی از این مشکلات همان عدم توانایی بنگاه‌ها در رساندن تولید به ظرفیت اسمی است. دلایل این امر را می‌توان در مشکلات مختلف فرا راه واحدهای تولیدی از قبیل بالا بودن تورم و متعاقباً نرخ سود تسهیلات بانکی، انعطاف ناپذیری ساختار تولید، قفل شدن تسهیلات بانک‌های داخلی و تخصیص همان مقدار محدود نیز به بخش‌های غیر مولد اقتصاد، تحریم خطوط اعتباری خارجی و بانک‌های کشورهای دیگر، بهره‌وری پایین نیروی کار، سیاست‌های متناقض پولی و مالی و قیمت‌های دستوری و غیرواقعی، واردات بی‌رویه و حمایت‌های غیر موثر جستجو نمود.

با توجه به مشکلات کنونی بخش تولید در زمینه بازپرداخت بدهی و کمبود نقدینگی در دسترس، ضمن در نظر گرفتن زمان مناسب برای پیاده‌سازی طرح هدفمند کردن یارانه‌های انرژی و پس از حمایت از صنایع جهت افزایش نقدینگی در دسترس این واحدها، منابعی که جهت حمایت از بخش تولید و در طول آزادسازی قیمت‌های انرژی در نظر گرفته شده است می‌بایست به‌طور خودکار و کاملاً شفاف میان همه واحدهای تولیدی توزیع گردد. رویه‌های اجرایی نحوه توزیع این منابع می‌بایست در قانون پیش‌بینی شده و به این ترتیب

اطمینان و امید از دریافت این منابع جهت پوشش دادن بخشی از هزینه‌های افزایش‌یافته تولید در بخش مولد اقتصاد ایجاد گردد.

۲.۵. رشد ارزش افزوده و تشکیل سرمایه ثابت بخش تولید

یکی از متغیرهای مهمی که در ادبیات اقتصادی نمایانگر رونق و شکوفایی یا رکود در اقتصاد است رشد ارزش افزوده است. آمارها و ارقام بیانگر آنست که رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن از سال ۱۳۸۴ تا ابتدای سال ۱۳۸۷ روندی نزولی داشته است. در بررسی رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن نیز روندی مشابه مشاهده می‌شود.

جدول ۶: میزان و درصد تغییرات ارزش افزوده در بخشهای مختلف (به قیمت های ثابت ۱۳۷۶)

سال/شاخص	ارزش افزوده در بخش صنعت و معدن (میلیارد ریال)	درصد تغییرات ارزش افزوده در بخش صنعت و معدن	ارزش افزوده در بخش کشاورزی (میلیارد ریال)	درصد تغییرات ارزش افزوده در بخش کشاورزی
۱۳۸۴	۸۶۴۳۲	۱۳/۳	۵۸۳۸۹	۹/۲
۱۳۸۵	۹۵۸۴۷	۱۰/۹	۶۱۱۳۴	۴/۷
۱۳۸۶	۱۰۳۹۳۰	۸/۴	۶۵۰۶۲	۶/۴
شش ماهه ابتدایی ۱۳۸۷	۵۱۸۲۳	-	۴۳۲۱۶	-

منبع: منبع ۲ از منابع فارسی

پس از مشاهده روند ایجاد ارزش افزوده در دو بخش مولد صنعت و معدن و کشاورزی مروری بر میزان مشارکت این بخش‌ها در سرمایه‌گذاری در اقتصاد نیز حاوی اطلاعات ارزشمندی در خصوص وضعیت کنونی بخش تولید است.

متغیر سرمایه‌گذاری نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تثبیت رشد اقتصادی و پایداری آن دارد. هزینه‌های سرمایه‌گذاری نه تنها خود متولی تولید هستند، بلکه از طریق ایجاد تقاضای خرید کالاهای سرمایه‌ای، محرک تولید و اشتغال نیز محسوب می‌شوند. منابع سرمایه‌گذاری‌های جدید از دو بخش دولتی و خصوصی نشأت می‌گیرد که در سال‌های اخیر به واسطه کاهش توان وام‌دهی بانک‌ها، شرایط سخت تولید و رکود حاکم بر تقاضای کالاهای تولید داخل از یک طرف رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را کاهش داده و از طرف دیگر هزینه‌های عمرانی دولت هم نتوانسته است کاهش در رشد سرمایه‌گذاری را جبران نماید. رشد تشکیل سرمایه

ثابت ناخالص برای بخش کشاورزی از ۱۹,۶ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۲ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. همچنین این ارقام برای بخش صنعت در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ به ترتیب ۱۶,۵ و ۰,۸ درصد است.

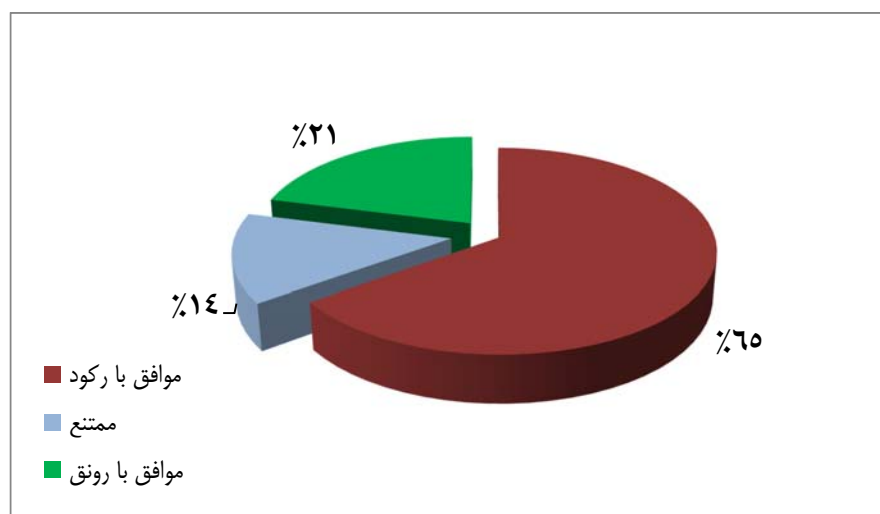
جدول ۷: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و درصد تغییرات آن در بخشهای صنعت و معدن و کشاورزی

شاخص / سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش کشاورزی	۵۹۶۸	۶۴۹۵	۷۹۳۹	۹۳۰۹	۸۶۱۲	۸۷۸۵
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش صنعت و معدن	۲۴۲۱۱	۲۷۰۷۱	۳۲۰۵۴	۳۲۹۸۰	۳۳۴۳۳	۳۳۷۰۴
درصد تغییرات در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش کشاورزی	۱۹,۶	۸,۸	۲۲,۲	۱۷,۳	-۷,۵	۲
درصد تغییرات در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش صنعت و معدن	۱۶,۵	۱۱,۸	۱۸,۴	۲,۹	۱,۴	۰,۸

منبع: منبع ۲ از منابع فارسی

۲,۶ چشم انداز ضعیف اقتصادی

بر اساس نظرسنجی که در ابتدای سال ۱۳۸۸ توسط اتاق ایران از مدیران ارشد حدود ۵۰۰ بنگاه اقتصادی فعال در صنایع مختلف تولیدی، تجاری و خدماتی انجام گرفت، نزدیک به ۶۵ درصد از این مدیران وضعیت اقتصادی سال جاری را با رکود پیش بینی نمودند و تنها ۲۱٪ از آنها انتظار رونق اقتصادی را داشتند. به عبارتی می توان گفت مدیران واحدهای تولیدی به سبب حضور در بطن اقتصاد برخی از علایم اقتصادی نظیر رکود را پیش از سایرین درک می کنند.



نتیجه گیری

بر اساس آمارهای خرد در دسترس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، وضعیت اقتصادی نامطلوبی بر بنگاه‌های اقتصادی حکمفرما است. نظر سنجی از ۱۸۳ بنگاه تولیدی حاکی از آنست که بنگاه‌ها در رکود اقتصادی به سر برده و پایین تر از ظرفیت اسمی خود به فعالیت ادامه می دهند، چنانکه تعداد واحدهای تولیدی که با کمتر از ۴۰ درصد از ظرفیت اسمی مشغول به تولید هستند در خلال سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به دو برابر (۴۵ درصد از بنگاه‌های مورد مطالعه) رسیده و تعداد بنگاههایی که با بیش از ۴۰ درصد ظرفیت اسمی خود تولید می کنند در سال ۱۳۸۷ بیش از ۲۵ درصد نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۸۵ کاهش داشته است. همچنین نتایج این نظرسنجی حاکی از تعدیل نیرویی قابل توجه در این بنگاه‌ها است. به طوری که در سال ۱۳۸۶ تعداد ۴۷،۲۱۸ نفر جمع کارکنان شاغل در این واحدها بوده که در سال ۱۳۸۷ با ۲،۸۹۳ نفر کاهش به ۴۴،۳۲۵ نفر رسیده است.

همچنین بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی نمایانگر نتایج زیر است:

الف) درصد تغییرات ارزش افزوده در بخش صنعت و معدن و همچنین کشاورزی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ دارای یک روند نزولی بوده است. چنانکه درصد تغییرات ارزش افزوده صنعت و معدن از ۱۳/۳ به ۴/۸ و درصد تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی از ۹/۲ به ۶/۴ در طول دوره مورد بررسی رسیده است. کاهش درصد

^{۱۴} منبع ۲ از منابع فارسی

تغییرات ارزش افزوده در بخشهای اقتصادی نشانگر آن است که توان استفاده بهینه از پتانسیلها و امکانات تولیدی وجود ندارد، به عبارت دیگر بخشی از ظرفیت های تولیدی بلااستفاده مانده است.

ب) درصد تغییرات تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش کشاورزی و همچنین بخش صنعت و معدن در طول سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ رو به کاهش بوده است. کاهش یافتن درصد تغییرات این شاخص به معنی کاهش زمینه های لازم و اولیه برای تولید است. کاهش مشارکت این بنگاهها در سرمایه گذاری داخلی، می تواند حاوی دو پیام برای سیاستمداران اقتصادی باشد: ۱. وجود وضعیت رکود اقتصادی و کاهش منابع در دسترس جهت سرمایه گذاری و ۲. عدم پیش بینی چشم انداز مثبت اقتصادی از سوی فعالان اقتصادی و کاهش تمایل این افراد برای سرمایه گذاری. نتایج نظرسنجی اتاق ایران در مورد پیش بینی وضعیت اقتصادی در سال جاری مؤید عدم پیش بینی مثبت فعالان از وضعیت اقتصادی پیش رو است.

ج) استمهال بدهی های واحدهای تولیدی توسط دولت نشان دهنده این است که بنگاه ها توانایی پرداخت بدهی های خود را ندارند. اما در جستجوی دلیل انباشته شدن بدهی بنگاههای اقتصادی در شرایطی که نرخ بهره واقعی منفی است، به نظر می رسد که عدم فروش محصولات و انبار شدن آنها و در نتیجه تولید با ظرفیت پایین و کمبود نقدینگی ناشی از آن مهمترین دلیل این وضعیت باشد.

همه آمار خرد و کلانی که در بررسی های متعدد اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صورت گرفته است، به اتفاق مؤید وضعیت رکود نسبی در اقتصاد ایران و در نتیجه کاهش ظرفیت تولیدی بنگاهها و افزایش بیکاری است.

با توجه به مشکلات فراوان بخش تولید در شرایط رکود بازار داخلی و جهانی به نظر می رسد که در خصوص نحوه آزادسازی بهای انرژی بخش تولید می بایست تأمل بیشتری نمود. در شرایطی که کشورهای دنیا سعی در حفظ توان رقابتی بنگاههای خود از طریق ارائه کمکهای مالی و پرداخت دیون دارند، حذف شتابزده و بدون برنامه ریزی یارانه های انرژی به معنای وارد آمدن ضربه ای مهلک بر توان تولید بخش مولد و از بین بردن مزیت های رقابتی و قدرت رقابت پذیری بنگاههای تولیدی کشور در عرصه رقابت جهانی خواهد بود چرا که بهای انرژی از معدود مزایای رقابتی بنگاههای تولیدی در حال حاضر است. در این راستا لزوم دقت نظر در اتخاذ زمان مناسب جهت آزادسازی قیمت انرژی در بخش های تولید و با توجه به جهش قیمتی که در بهای تمام شده محصولات این بخش ایجاد خواهد گردید به نظر ضروری می رسد. در جریان پیاده سازی این طرح، می بایست منابعی که جهت حمایت از بخش تولید در نظر گرفته شده است به صورت اتوماتیک و بدون حضور مکانیسم های انتخابی و به صورت غیر تبعیض آمیز میان بنگاههای تولیدی توزیع گردد. وجود مکانیسم های انتخابی هم به دلیل عدم برخورداری برخی صنایع از منابع حمایت از تولید و هم به جهت تأخیرهای زمانی که در پرداخت به وجود خواهد آورد انگیزه بخش مولد اقتصاد را برای تولید کاهش داده و منابع کشور را به سمت بخش های غیرمولد اقتصاد که کمتر انرژی بر هستند سوق خواهد داد.

در طول آزادسازی تدریجی قیمت‌ها به‌کارگیری برخی مکانیسم‌های تشویقی به منظور ایجاد انگیزه ارتقاء بهره‌وری استفاده از انرژی و بهینه‌سازی الگوی مصرف در صنایع و بخش تولید به شدت تأثیرگذار خواهد بود. در این راستا می‌توان به بنگاه‌های تولیدی بهره‌ورتر در زمینه استفاده از نهاده انرژی جوایزی اعطاء نموده و سایر بنگاه‌های را نیز به سمت ارتقاء بهره‌وری سوق داد. این منابع می‌تواند به بنگاه‌ها جهت حفظ بنیه تولید و افزایش پتانسی‌های تولید و رقابت از طریق خرید و تجهیز تکنولوژی‌های جایگزین کمک شایان توجهی نماید.

با توجه به آنکه بهای انرژی از محدود مزایای رقابتی است که بنگاه‌های تولیدی کشور در قیاس با تولیدکنندگان عرصه بین‌المللی دارند و نقش قیمت این نهاده در بهای تمام شده کالاهای تولیدی و به منظور حفظ قدرت رقابت پذیری واحدهای تولیدی در عرصه ملی و بین‌المللی به نظر می‌رسد که بهترین راهکار در خصوص واقعی سازی قیمت انرژی برای بخش‌های تولیدی موارد زیر باشد.

اولاً، انتخاب زمانی مناسب است که بنگاه‌ها آمادگی مواجهه با جهش هزینه‌های تمام شده تولید را داشته باشند. به نظر می‌رسد که اکنون که در شرایط رکود جهانی و داخلی قرار داریم و سیاست‌های دنیا در جهت حمایت از بخش تولید در قالب بسته‌های مالی است، افزایش بهای انرژی برای بخش‌های صنعت و کشاورزی نه تنها به منزله حمایت از این بخش‌ها نبوده بلکه فشار مضاعفی بر این بخش‌ها وارد خواهد آورد.

ثانیاً، منابع اختصاص یافته جهت حمایت از تولید بدون تبعیض و میان همه بنگاه‌های تولیدی و به صورتی کاملاً شفاف و بدون ابهام به بنگاه‌های تولیدی اختصاص یابد. نحوه تخصیص این منابع به بخش خصوصی می‌بایست به صورت قانونی پیش‌بینی شده و منابع به صورت خودکار، بدون وقفه و شفاف میان همه بنگاه‌های تولیدی و بخش خصوصی توزیع گردد.

نهایتاً می‌توان از طریق اتخاذ مکانیسم‌های تشویقی بنگاه‌ها را به بهینه سازی هر چه بیشتر در مصرف انرژی فرا خواند. در این زمینه تخصیص برخی جوایز ارتقاء بهره‌وری به بنگاه‌های با بهره‌وری بالاتر در زمینه مصرف انرژی ضمن افزایش انگیزه این بنگاه‌ها جهت ادامه روند اصلاح الگوی مصرف، سایر بنگاه‌های تولیدی را نیز به ارتقاء بهره‌وری و تخصیص بهینه نهاده‌های تولید ترغیب خواهد نمود.

منابع:

۱. منابع انگلیسی:

- [1] Anderson, S. Cavanagh, J. & Redman, J., 2003. How the Bailouts Dwarf Other Global Crisis Spending. [online] Institute for Policy Studies.
Available at: <http://www.ips-dc.org>. [Accessed 7 December 2009].

- [2] Shah, A. 2009. Global Financial Crisis. [online] (Updated 25 July 2009). Available at: <http://www.globalissues.org/article/768/global-financial-crisis>. [Accessed 8 December 2009]
- [3] Wikipedia. 2009. General Motors. [online] Available at: http://en.wikipedia.org/wiki/General_Motors_Corporation [Accessed 5 December 2009].

۲. منابع فارسی:

- [۱] گزارش اقتصادی شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران
- [۲] گزارش اقتصادی شماره ۲، ... ۱۳۸۸، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.
- [۳] مستندات گزارش اقتصادی شماره ۲، پاییز ۱۳۸۸، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.